

# اسلام

تنها يك نظام فرهنگي و اجتماعي بي روح نيست !

يكي از عوامل بسيار خطرناكي كه اسلام و مسلمين را در شرايط ناگواري قراردادده ملت پرستي يا « ناسيوناليزم » جديد است .

ملت پرستي يا ناسيوناليزم كه هيچگونه سازشي با اسلام ندارد و سيله عده‌اي از رهبران و زمامداران كشورهاي اسلامي ترويج ميشود و از اينجهد اسلام جهاني، بصورت يك تمدن و فرهنگ محدود و قابل تغيير و تبديل معرفي شده است .

« هر يم چه يله » دوشيزه فاضل آمريكائي و اسلام شناس !

كه اخيراً با آئين مقدس اسلام مشرف شده است ، مقالتي در معرفي اسلام و انتقاد از تمدن و فرهنگ غربي منتشر کرده و از محكمترين انتشارات او كتابي است بنام « اسلام و دسيزد ، آوست » وي در اين كتاب به كسانيكه اسلام را تنها يك تمدن و فرهنگ بي روح معرفي کرده و ( مليت ) را بر اسلام مقدم داشته اند سخت انتقاد ميكند و آنها را بعنوان دشمنان اسلام معرفي مينمايد .

ما براي اهميتي كه موضوع دارد قسمتي از نظريات اين دوشيزه روشن فكر و دل آگاه را از شماره ۷ و ۸ سال ۷ مجله « البعث الاسلامي » چاپ ( هند ) ترجمه کرده و ذبلا از نظر خوانندگان محترم ميگذرانيم .

علي حجتی كرهاني



... میگویند ملیت و ناسیونالیسم در جهت حفظ وحدت فرهنگ و طبایع انسانهای مختلف ، دارای ارزش غیر قابل انکاری است و این ناسیونالیسم است که قدرت دارد در تمام جهان يك فرهنگ عمومی بوجود آورد و بر تنوع آن بیافزاید!

ولی در خصوص ممالک اسلامی « که ناسیونالیسم رشد و پیشرفت قابل توجهی کرده است » ! من به نتیجه ای برخورددم که درست نقطه مقابل عقیده مزبور است ، گرچه مبارزه علیه استعمار سیاسی غرب بصورت يك مبارزه عمومی و همگانی در آمده ، اما فعالیت و مقاومتی در برابر روشهای فرهنگی و پیروی کور کورانه از اسلوبهای زندگی اروپائی که بر اساس فلسفه های مادی استوار است مشاهده نمیشود ، تا باینکه روش معین با آن مبارزه گردد .

ما گمان میکردیم و منتظر بودیم « ملیون » مسلمان تونس و مراکش که با کمال شجاعت با استعمار فرانسه جنگیدند و برای کسب استقلال و آزادی ، عزیزان خود را سخاوتمندانه فدا کردند و از زیر یوغ حکومت استعماری فرانسویان نجات یافتند و بالاخره با استقلال و آزادی رسیدند از این فرصت استفاده خواهند کرد و ارزش فرهنگی و شخصیت دینی خود را نمایان میسازند ولی متأسفانه ملاحظه میکنیم که بعد از رسیدن باین نعمت بزرگ از شریعت مقدس فاصله گرفته و با جدیت هر چه بیشتر ، از قوانین نظامات ، اسلوب تعلیم و تربیت و رسوم گمراه کننده فرانسویها تبعیت میکنند .

در ضمن انتشار يك مقاله ، مقصود دولت مراکش را از تأسیس دانشگاه مراکش فاش ساخت :

نیو یورک تایمز نوشت : منظور « دولت از ایجاد این دانشگاه انهدام کلیه مؤسسات بزرگ اسلامی و پی ریزی بنای تعلیمات اروپائی است . اولین قدم حساسی که برای این جنبش اصلاحی ! برداشته شد این بود که در دانشگاه مسجد « قیروان » واقع در شهر « فاس » برنامه هائی طبق مواد تحصیلی غربی وضع شد و تعالیم اسلامی در درجه دوم قرار گرفت ، ایجاد این برنامه در مرکزی صورت گرفت که قرنهایکی از مراکز بزرگ تعالیم اسلامی محسوب میشد ! سازمان جدید دانشگاه « قیروان » دانشجویان حقوق را مجبور میکند ، بجای فرا گرفتن حقوق اسلامی حقوق جدید مراکش را که از قوانین فرانسه گرفته شده است بیاموزد تا از جنبه های عملی این حقوق منحرف کننده بهره مند گردند !! و در آینده دانشمندانی که بنخواهند بکسب مدرک علمی و تحصیلی خود نائل شوند باید این دوره حقوق اروپائی را ببینند ! ؟

ولی باید باین حقیقت توجه داشت : تا آن زمان که این دانشگاه برای تحصیل علم و دانش بر محور قوانین آسمانی اسلام اداره میشد نوابغی مانند « ابن خلدون » و « ابن باجه » و « ابن العربی » و « ابن طفیل » بجامعه بشریت تحویل داد و اکنون که سازمان خود را بر اساس قوانین غربی اداره میکند و از موارث بزرگ خود صرف نظر کرده است بهیچوجه سود نخواهد برد ، بلکه گرفتار زیانهای غیر قابل جبرانی خواهد شد و همه افتخارات خود را از دست میدهد .

وبالآخره نفوذ اسلام در میان رهبران غرب زده فعلی بحد خطرناک و وحشتناکی رو بستنی نهاده تا آنجا که «حبیب بورقبیه» رئیس جمهوری تونس در یک سخنرانی عمومی که در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۶۰، ایراد کرد، با کمال جرأت روزه ماه مبارک رمضان را از اینجهت که مانع رشد و پیشرفت اقتصادی کشور است! مورد حمله شدید خود قرار داد!

**حبیب بورقبیه گفت:** روزه روح را تهذیب میکند و از نیروی مقاومت جسم میکاهد اما امر و زمن! به بدنهای قوی و نیرومندی نیازمند که اوضاع مملکت را دگرگون سازند و بتوانند سطح زندگی مادی ما را بالا برند و بسطح زندگی اروپائی برسانند!

سپس بورقبیه استدلال کرد که مبارزه کارگران برای ایجاد یک نهضت اقتصادی آنها را از روزه گرفتن معاف میدارد! و از رئیس دانشگاه اسلامی «زیتون» انتقاد کرد و منطق او را که روزه در رتبه متقدم از پیشرفت اقتصادی قرار گرفته است، بخيال خود رد نمود.

راستی این ادعا که روزه (ویا هر یک از احکام عبادی و غیر عبادی اسلام) سبب عقب افتادگی تونس و سایر کشورهای اسلامی شده، بسیار واهی و احمقانه است و اما اینکه روزه ماه رمضان سلامتی انسان را بخطر میندازد اشکالی است هبتدل و ناشی از عدم اطلاع از روح تعالیم عالیه اسلام و در پاسخ آن آیات شریفه زیر کافی است:

شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن ، هدی للناس و بینات  
من الیهدی و الفرقان ، فمن شهد منکم الشهر فلیصمه . ومن کان

مريضاً او على سفر فعدة من ايام اخر، يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر ولتكملوا العدة ولتكبروا لله على ما هداكم ولعلكم تشكرون (۱) .

ترجمه : ماه رمضان، که آیات قرآن برای ارشاد مردم با حجت هائی از هدایت و تمیز میان حق و باطل، در آن نازل شده، هر که از شما، در این ماه حاضر بود روزه دارد و هر که بیمار یا سفر باشد؛ چندی از روزهای دیگر خدا برای شما سهولت می خواهد و مشقت نمی خواهد. شماروزه را کامل کنید و خدازا برای آنکه شمارا هدایت کرده تکریم کنید، بلکه سپاسگزار باشید.

در مجله «اسلامیک لیتریچر» چاپ لاهور شماره مورخه مایو- ۱۹۵۹ مقاله تحت عنوان (اسلام و ناسیونالیسم) بقلم ج- ژ- ضرام استاد علوم سیاسی در نیویورک منتشر شد که در ضمن آن نویسنده چنین اظهار نظر میکند :

«اگر مسلمانان بخواهند شالوده حکومتهای راقی و نیرومندی را بر اساس متینی استوار نمایند : حکومتهای مقتدری که بتوانند در برابر تجاوزات و حملات خارجی روی پای خود بیایند و در دفاع از خود مبارزه را تا سرحد ظفر و پیروزی ادامه دهند، و بمقامات بلند دولتهای اروپائی و امریکائی برسند، باید از اعتقادات کهنه خود مبنی بر «انتر ناسیونالیسم جهانی» بودن دین اسلام، دست بردارند زیرا این طرز

فکر نمی‌تواند جوابگوی احتیاجات يك اجتماع زیر و روروشده و فعال باشد!!  
 مسلمانان ارتودکس (اصیل) باید خود را در چهار دیواری صلاح  
 و پرهیز کاری خصوصی محدود کنند و برای پیشرفت در کارهای دنیوی  
 و نجات از عقب افتادگی بندهای عادات و رسوم قرون وسطائی راز دست  
 و پایی خود باز کنند و با شتابزدگی نیاز مندیهای زندگانی جدید را بر  
 طرف سازند!

در هر صورت الان يك موقعیت مناسبی است که مسلمانان متوجه  
 شوند که اسلام رفورم شده! قدرت دارد در میدان آزادی و دموکراسی  
 نقش پرارزشی را داشته باشد در صورتیکه مواد اصلاح شده و ممتاز آن!! در  
 مجاری مناسب بکار افتد و مواد غیر لازم آن ترک شود و در عین حال نباید  
 در هیچ مرحله‌ای مصالح دولت و ملت فدای منافع این مسجد و آن مسجد  
 گردد!؟

در اینجا باید باین نویسنده بی اطلاع از اسلام گفت که کلیه  
 قوانین اسلام کامل و خالی از حشو و زوائد است و بنا بر این هیچوقت  
 نمیتواند اصلاح و یا تکمیل گردد زیرا از همان روز اول خالی از هر -  
 گونه نقص و از هر جهت کامل بوده است .

آیه‌ای که در «حجة الوداع» بر پیغمبر اسلام ﷺ نازل شد  
 گواه روشن و دلیل بارز این مدعا است : **اليوم اكملت لكم دينكم**  
 و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً (۱) .

(۱) سوره مائده آیه ۳ امروز دینتان را برای شما بکمال آوردم و نعمت

خویش بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما انتخاب نمودم

### باید دانست که ضیاء كوك آلب و كمال اتاتورك و بورقیه

(و همچنین ج - ژ - ضرام و سایر ناسیونالیستهای مدعی اسلام!) در این عقیده اتفاق دارند که تمدن اسلامی با سایر تمدنهای بشری که بوجود میآید و پیشرفت میکند و سپس راه زوال و نابودی را میپیماید کاملاً فرق دارد.

اینها بدون استثناء گمان میکنند که قرآن و دستورات پیغمبر گرامی اسلام اختصاص به « شبه جزیره العرب » داشته ، آنهم در قرن هفتم مسیحی و بنا بر این محدود بزمان و مکان است !  
و همچنین این مطلب را درك کرده اند که روح اسلامی با روح دنیای غرب سازش ندارد .

و بعد از این مقدمات نتیجه گرفتند: دین کهنه و عقب افتاده است و

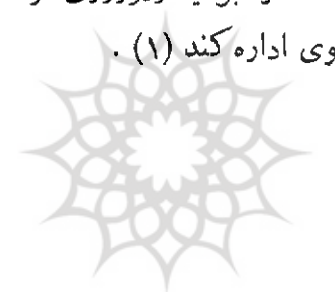
در خوردنیای امروز نیست! و باید نابود شود !

ولی من در اینجا از اینها يك سؤال میکنم ؟ آیا ناسیونالیسم و ملت پرستی که افکار انسانها را به فاصله های جغرافیائی محدود میسازد و افق اندیشه نامحدود و روشن انسان را در مرزها و حدود تنگ و تاریک ازارش ساقط میکند و در زمانیکه فاصلهها برداشته شده ، زمان و مسافت از بین رفته و وسائل مدرن دنیا را اتصالی متین و محکم بهم داده مردم را بمکانی معین و محدود دعوت میکند ، کهنه و قدیمی است و باید محو گردد... یا اسلام !

حقیقت امر اینست که اینها با اینکه داعیه اسلامیت دارند ، از دشمنان خطرناک اسلامند و با افکار محدود خود گمان کرده اند که

اسلام يك تمدن قابل تغيير و تبديل است و چون واقعاً باسلام ايمان نياورده اند و يا نخواستند بياورند ؛ متوجه نشدند و يانخواستند بشوند كه اسلام يك نظام تشریعی جامع الاطرافى است كه خداوند جهان آنرا نازل كرده ، در هر زمان و مكان قابليت اجراء دارد .

مامعتقدیم همانطور كه تكنولوژى و صنايع و علوم جديد جهانرا بصورت يك واحد اقتصادى در آورده اسلام هم با كوبيدن منطق پوشالى ملت پرستى ، مرزها و فاصله ها را بر مي دارد و روزى خواهد رسيد كه جهان را بصورت يك واحد معنوى اداره كند (۱) .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی